

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۷۲۰

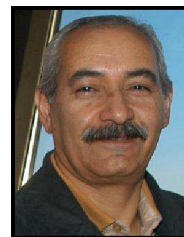
ایسکرا

Tel: 0046720077654 تلفن تماس با ما

۶ فروردین ۱۳۹۳، ۲۶ مارس ۲۰۱۴

سردبیر عبدالکلپریان

در حسرت خاک و مرز دفاع حزب دمکرات کردستان از مجازات اعدام



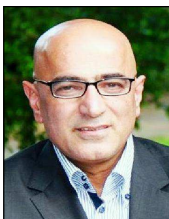
عبدالکلپریان

بکار گرفته شود. اما چرا تا به این حد این نگرش قساوت آمیز و بی رحمانه علیه شهروندان و برای رسیدن به این اهداف را باید موعظه کرد؟ حقیقت امر این است که خالد عزیزی و ناسیونالیسم کرد در کردستان ایران تاریخا برای سهم خواهی و دست یافتن به يك حکومت محلی که از اهداف و آرمانهای قدیمی ناسیونالیسم در بیش از نیم قرن گذشته بوده است، همچنان دارند به این آرزو می اندیشند. حکومتی ایجاد شده محلی در دوران مبارزات ضد استعماری و برای داشتن يك دولت مستقل تاریخ مصرفش منتهاست به سر آمده است. از سوی دیگر تلاش برای تحقق همین اهداف در دوره کنونی نیز چیزی بجز تفرقه قومی، راه اندازی کینه و نفرت در میان مردم منتصب به ملیتهای مختلف، بروز جنگ و خانه خرابی مردم، توسط این احزاب چیز دیگری در بر نداشته و ندارد. بیش از دو دهه از حاکمیت

اخیرا مصاحبه ای ویدئویی از خالد عزیزی دبیر اول حزب دمکرات کردستان پخش شد است که در این مصاحبه گفته است "برای داشتن يك حکومت در خاک کردستان ایران چه ایرادی دارد که حتی مجازات اعدام برقرار و دیکتاتوری هم حاکم باشد" (نقل به معنی) مسئله طرح اجرای مجازات اعدام و یا حکومت دیکتاتوری ابزارهایی است که دبیر اول حزب دمکرات کردستان برای رسیدن به اهداف ناسیونالیسم کرد یعنی سرزمین و خاک کردستان می خواهد

صفحه ۲

کارگران کولبر صدها کشته در سال!



نسان نودینیان

هرسال صدها نفر از کارگران کولبر جانشان را در مناطق مرزی

کردستان از دست می دهند. کولبری در مناطق مرزی شهرهای کردستان پیشینه تاریخی دارد. ده ها سال است مرزها و رابطه تجاری مرز این و عراق با تجارت اجناس و کالا تعریف شده است. در هر دوره ای تجارت در مرزها تحت تاثیر بحران منطقه ای، اقتصاد و دولتهای حاکم بوده است. در دوره قبل از قیام کولبری شغل محدودی بود. و بعبارتی تعداد معدود

صفحه ۴

بحران اوکراین یا جدال غرب و روسیه



محمد آسنگران

هر ناظر و روزنامه نگار و انسان مطلعی که بخواهد واقعیات اوکراین را آنطور که هست ببیند، امروز بعد از چند هفته از تغییر حکومت در اوکراین و پیامدهای آن قاعدتا باید متوجه شده باشد که آنچه در اوکراین در جریان بود و هست نه انقلاب و نه حتی جنبشی

صفحه ۳

اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق



تهیه و تنظیم: یادی محمودی
yadi.mahmudi@gmail.com

اعتراض برخی از احزاب
سیاسی به تقلب در انتخابات
اقلیم کردستان

برخی از احزاب سیاسی در

انتخاباتی ۱۷۸ هزار نفر از آن مربوط به اقلیم کردستان است که تا هم اکنون هم هیچ اقدامی برای پیگیری و از بین بردن آن صورت نگرفته.

**جنگ و درگیری در میان
ارتش عراق و گروه مذهبی
داعشی در مناطق قرته به دهها
کشته و زخمی بر جای
گذاشته!**

ارتش عراق در يك اطلاعاتیه اعلام کرده بود که روز شنبه ۲۲ مارس ۱۷ روستایی منطقه قرته

صفحه ۴

نگاه هفته: مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان / نسان نودینیان

۴۸۰ نفر می رسد که دارای قراردادهای ۱ تا ۵ ساله هستند. کارگران مدت ۴ ماه است که حقوق وعیدی دریافت نکرده اند و جدای از این حقوق معوقه مدت ۷ سال است که حق سنوات نیز به آنان پرداخت نشده است. کارفرمایان سد

صفحه ۵

**گزارشی در مورد وضعیت
کارگران سد بنیدر
منطقه مریوان**

کارگران سد بنیدر واقع در شهرستان مریوان به دلیل سیاستهای سرمایه محور کارفرمایانشان در شرایط سختی به سر می برند. مجموع کارگران مشغول به کار در قسمتهای مختلف پروژه این سد به

صفحه ۴

اشتغال جالش اصلی در دولت های گذشته تا کنون

صفحه ۶

رفراندوم جهانی علیه حکم اعدام ریحانه جاری

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

دفاع ناسیونالیسم ...

احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق که بر بستر فروپاشی بلوک شرق و قدرقدرتی آمریکا در منطقه بوجود آمد می گذرد. حتی اگر دست یابی احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق فارغ از تحولات جهانی در آن دوره صورت می گرفت و این احزاب با پشتیبانی مردم به این قدرت می رسیدند، باز هم ما شاهد فقر و فلاکت، باندبازی، ثروت اندوزی و رواج افکار و باورهای عقب مانده و ارتجاعی این نیروها علیه خواست و آرزوهای مردم در کردستان عراق می بودیم. مسئله این نیست که ناسیونالیسم کرد اگر با قدرت خود و مردم محدوده ای را برای اعمال حاکمیت خود برپا می کرد گویا محق بود و یا مشروعیت داشت نه خیر. بلکه مسئله این است که ناسیونالیسم به قدرت نرسیده دوره کنونی در حسرت آرزوهایی که تاریخش تمام شده است دارد آه و ناله سر می دهد و خود را از قافله عقب می بیند.

بارها گفته ایم که راه حل رفع ستم ملی آنچیزی نیست که این احزاب برایش حاضرند حتی مجازات اعدام و حاکمیت دیکتاتوری برقرار کنند. آنها می خواهند ستمی را که حکومت مرکزی اعمال می کند را بردارند و ماموریت و وظیفه اعمال این ستم را خود بر عهده بگیرند و بنوعی صاحب حکومت محلی شوند. کردستان عراق نمونه برجسته این مدل از حاکمیت احزاب ناسیونالیست و قومی عشیره ای است که در این بیست سال فقر و فلاکتی بی حد و حصری را به مردم تحمیل کرده اند که بر بستر این

تبدیل شده است. مردم کردستان با خواست و آرزوهای مردم سراسر ایران تاریخ مشترک دارند.

به اتفاقات و رویدادهای کردستان ایران نگاه کنید. اول مه ها، ۸ مارس ها، روز جهانی کودک، مبارزه مشترک مردم سراسر کشور علیه احکام و مجازات اعدام، اعتراض و مبارزه علیه آلودگی محیط زیست و دهها اعتراض کارگری و رادیکال دیگر برای رسیدن به یک زندگی انسانی خواست عمومی و مشترک مردم در شهرهای کردستان و در همسرنوشتی با مردم سراسر کشور است که این خواستها با خواب و خیال احزاب قومی و ناسیونالیست کرد کاملاً متفاوت و بهمیدگرایی ربط هستند.

با توجه به آنچه که گفته شد سخنان خالد عزیزی مبنی بر رواج و انجام مجازات اعدام آنها علیه شهروندی که سنگ طرفداری از آنان را به سینه می زند عاری از هرگونه احساس انسانی است. این یعنی سهم خواهی از قدرت به قیمت دائر کردن چوبه های دار. این سخنان نشان می دهد که بخاطر داشتن جغرافیایی بنام خاک کردستان ایشان حاضر است قوانینی که قتل شهروندان را مجاز می شمارد را برسمیت بشناسد و دیکتاتوری را بر سرشان حاکم کند. تفاوت قانون و مجازات اعدام و یا برقراری دیکتاتوری مورد نظر خالد عزیزی با آنچه که حاکمان اسلامی انجام می دهند این است که هر گونه اعمال ضد انسانی از جمله مجازات اعدام نه با عمامه و عبا بلکه در لباس محلی و توسط احزاب ناسیونالیست کرد نظیر حزب خالد عزیزی صورت بگیرد. دفاع از مجازات اعدام را

بیشتر از این نیز عبدالله حسن زاده دبیر کل سابق حزب دمکرات کردستان و عضو رهبری این حزب در تاریخ ۳ فوریه ۲۰۱۰ در یک سایت به اسم "بیان" اعلام کرده بود که نباید مجازات اعدام لغو شود. در این سخنان عبدالله حسن زاده می گوید:

"لغو مجازات اعدام در یک منطقه و در یک کشور که فضای فکری و سیاسی و فرهنگی آن مثل منطقه و کشور ما باشد درست نیست. او در ادامه می گوید: در فرهنگ ما اگر کسی بداند که او را نخواهند کشت، بخاطر چیز بسیار کم ارزشی آماده است که کسی را بکشد. بنابراین بهترین بازدارنده این است که چنین شخصی بداند اگر کسی را بکشد خود نیز کشته خواهد شد."

لینک سخنان عبدالله حسن زاده به زبان کردی
<http://www.beyan.info/Direle.aspx?C=Hewal&J=839>

دفاع و استدلال پوچ و ارتجاعی عبدالله حسن زاده دبیر کل سابق حزب دمکرات کردستان و خالد عزیزی دبیر کل کنونی و از اعضای رهبری این حزب در مورد مجازات اعدام به حلی تهوع آور و ضد بشری است که هر انسان آزاده ای را آزار می دهد. عزیزی و حسن زاد میدانند که مجازات اعدام یا قتل عمد دولتی، مجازات نیست. زیرا مجازات به اقدامی گفته میشود که فرد خاطی بعد از تحمل آن متوجه اشتباه و جرم خود بشود و بتواند به زندگی عادی بازگردد. که در مورد اعدام تقض غرض است. اما این دو نفر از رهبران حزب دمکرات کردستان به سبک رهبران جمهوری

اسلامی فکر میکنند که اعدام مجازات است و یکی لغو آن را باعث هرج و مرج و قتل و کشتن بیشتر می داند و دیگری اجرای آنرا در خدمت به خاک و مرز مفید می داند. کشتن انسان به هر نوعی و به هر بهانه ای عملی جنایتکارانه و ضد انسانی است. آقای حسن زاده با این گفته نشان داد که مدافع قانون قصاص است و خالد عزیزی نیز در حسرت دست یابی به آرمانهای بی افق و به بن بست رسیده ناسیونالیسم کرد اعدام و حاکمیت دیکتاتوری را تجویز می کند. برای اطلاع خواننده این سطور لازم است بگویم که عبدالله حسن زاده قبلاً آخوند بوده و با بیان این سیاست، عمق ارتجاع آخوندی خود را بیان کرده است.

سیاست حزب دمکرات کردستان، خالد عزیزی و عبدالله حسن زاده سیاستی ضد انسانی و مخرب است. لازم است مردم، نیروهای چپ و مترقی و مدافع حقوق انسانی این سیاست را ترد و افشا کنند و با حرکتی اعتراضی خود علیه مجازات اعدام که سابقه و پیشینه آن در شهرهای کردستان به سنت جا افتاده ای تبدیل شده است با افشای این سیاست ارتجاعی به تلاش خود برای لغو مجازات اعدام بیفزایند. علاوه بر اینکه این سیاست ضد انسانی و مخرب است بیان و دفاع از مجازات اعدام در شرایطی که بسیاری از فعالین سیاسی کردستان و دیگر شهرهای ایران در زیر حکم اعدام به سر میبرند و هر آن احتمال اعدام آنها وجود دارد، ضدیت آشکاری با این زندانیان هم هست.

۲۵ مارس ۲۰۱۴

حزب کمونیست کارگری نماینده آرزوها و خواستهای پایمال شده مردم محروم است.

حزب کمونیست کارگری حزب میلیونها کارگری است که کار میکنند و خود از نعماتی که خود ساخته اند محرومند! حزب کمونیست کارگری صدای همه مردمی است که آرزوهای ساده و انسانی شان سرکوب شده است! این حزب صدای میلیونها کارگر و جوان و بیکاری است که بازار سرمایه آنها را واژده است و اسیر بیکاری و فقر و محرومیت شده اند. صدای کودکان محروم شده از شادی و تحصیل، صدای زنانی که فقر و محرومیت آنها را به تن فروشی ناچار میکنند، صدای جوانانی که در اوآن زندگی از شادی و رفاه و آزادی محروم میشوند. صدای آنهایی که اعدام شده اند و دیگر صدایی ندارند!

به حزب کمونیست کارگری ببینید. دست در دست هم جامعه ای بسازیم که در آن اعدام و زندان معنایی نخواهد داشت. هیچ کسی از تحصیل و مسکن و دارو و درمان محروم نخواهد بود. آزادی بی قید و شرط است و همه مردم از طریق شوراهایشان قانون گزار و تصمیم گیرنده و اختیار دار جامعه خواهند بود. جامعه سوسیالیستی! که به تاریخ توحش و بهره کشی و جنایت و سرکوب اقلیت مفتخور مهر پایان خواهد کوبید!

بحران اوکراین...

عمدتا بخش غربی اوکراین) برای ملحق شدن به غرب بود. در عین حال امروز میبینیم که بخشی از همین مردم اوکراین میخواهند متحد روسیه بمانند. استانهای شرقی اوکراین و فراندوم شبه جزیره کریمه این تمایل را بیش از پیش غیر قابل انکار کرده است.

بنابر این اکنون روشن است که هم حرکت سه ماه اول مردم غرب اوکراین و سرنگونی حکومت فاسد و متحد روسیه برای نزدیک شدن به غرب بود هم رفتارند کریمه و تجمعات اخیر استانهای شرقی اوکراین برای ملحق شدن به روسیه است. تمام این تحرکات و بحران اوکراین در چهارچوب رقابت و جدال غرب و روسیه قابل توضیح است. اما این جدال خلق الساعه نبود. بعد از دهه نود میلادی و از روز استقلال اوکراین بعد از ریختن دیوار برلین، تا کنون جدال غرب و روسیه بر سر اوکراین همیشه ادامه داشته است. کسی که این جدال را و تبعات آنرا نبیند نمیتواند واقعیات اوکراین را آنطور که هست بیان کند و مبنای تحلیل خود قرار بدهد.

با این حال تحولات امروز اوکراین در بطن شرایط تازه جهانی اتفاق افتاده است. اوکراین تا چند هفته قبل کشوری بود که منطقه نفوذ روسیه محسوب میشد. اما غرب و در راس آنها آمریکا همیشه تلاش کرده اند که این کشور از دایره نفوذ روسیه خارج و به کشوری تحت نفوذ غرب تبدیل شود.

این جدال قبلا در سال ۲۰۰۸ در گرجستان هم اوج گرفت و روسیه در آنجا هم به قدرت نظامی خود پناه برد و غرب را ناچار به عقب نشینی کرد. در همین ایام بود که باز هم غرب برای جبران عقب نشینی اش در گرجستان بر اوکراین تمرکز بیشتری نمود. در اوکراین برای یک دوره کوتاه مدت خان تیموشکو که سیاست نزدیکی به غرب را نمایندگی میکرد به قدرت رسید. اما مدت زیادی طول نکشید که طی یک انتخابات باز هم سرمایه داران و احزاب متحد روسیه قدرت را در دست گرفتند و تیموشکو که یکی از سرمایه داران بزرگ اوکراین و

مدافع نزدیکی به غرب بود، به جرم فساد مالی در سال ۲۰۱۱ زندانی شد. از آن روز تا کنون اروپا و آمریکا مرتب خواهان آزادی او از زندان بوده اند.

این بار در سپتامبر سال ۲۰۱۳ کشورهای غربی از حکومت یانوکویچ خواستند که پیمان سیاسی و اقتصادی پیشنهادی اروپا را امضا کند. یانوکویچ نه تنها آنرا امضا نکرد بلکه به همه وزرا و دولت اوکراین دستور داد که پیمانهای نزدیکی بیشتری با روسیه را پیگیری کنند. این تصمیم خشم جریانانات ناسیونالیست و فاشیست اوکراین را بیشتر کرد.

در عین حال حکومت فاسد یانوکویچ مورد اعتراض مردم هم بود و مردم در پس نزدیکی به اروپا فکر میکردند وضع زندگیشان بهتر میشود. این دو مولفه باعث شد که تظاهراتی اعتراض علیه دولت به خیابان بیاید و ابعاد وسیعتری به خود بگیرد. همزمان با فراخوانهای احزاب راست و ناسیونالیست اوکراین، حمایتهای آمریکا و اروپا از این احزاب روز به روز وسیعتر و جدی تر میشد.

با توجه به ناراضیتهای مردم از حکومت فاسد یانوکویچ غرب فرصت را غنیمت شمرد که هم شکست قبلی خود را جبران کند و هم احزاب دست راستی اپوزیسیون را بر محور سیاست نزدیکی به غرب کمک کند که کل اعتراضات مردم را در حمایت از سیاست نزدیکی به غرب کاناایزه نمایند.

لوموند: این جمهوری پیشین اتحاد شوروی با جمعیتی چهل و شش میلیونی، به چشم سرمایه گذاران و تحلیلگران بروکسل، بهشت اقتصادی و کشاورزی و منابع سوختی نزدیک دروازه های اتحادیه اروپا جلوه می کرد. مطالعات بسیاری خبر آورده بودند که استقرار یک ناحیه تبادل آزاد، می تواند چشم اندازهای رشد بی سابقه ای را از طریق ملدن کردن ساختارهای تولیدی و پالایش محافل تجاری بگشاید. به نظر خانم «کاترین اشتون»، نماینده عالی اتحادیه در امور خارجی، «اوکرائین» با

انصراف از امضای توافقنامه «[منافع] بسیاری را از دست داده است».

بعد از سرنگونی یانوکویچ خانم تیموشنکو از زندان آزاد شد. حزب او در راس قدرت و حکومت موقت همراه دیگر شرکای پروغربی خود که همگی احزاب راست و فاشیست اوکراین هستند قرار گرفته است. احزاب راست افراطی و شبه فاشیست همچنان در میدان به حضور خود ادامه دادند که سهم بیشتری در دولت و پارلمان را عاید خود کنند. متأسفانه کسانی از روی بیخبری و تحلیل سطحی، آنها را مردمی پنداشتند که هیچکدام از احزاب به قدرت رسیده را قبول ندارند!؟

ناگفته نماند در ایام تظاهراتها و تا به امروز تعدادی از دفاتر احزاب چپ و اتحادیه های کارگری مورد تعرض جریانات راست و فاشیست قرار گرفته اند. تعدادی از دفاتر حزب کمونیست اوکراین به آتش کشیده شدند. ۷۰ مجسمه نلین در شهرهای مختلف پایین کشیده شدند. قانونا کشور دو زبانه را یک زبانه اعلام کردند و تدریس زبان روسی را از قانون اوکراین حذف کردند.

لوموند دیپلماتیک نوشته است: "در زمینه سیاست داخلی، حزب اسوویودا «شوروی زدائی را در صدر اولویت های خود قرار می دهد: پاکسازی یا کنارگذاشتن کارمندان ارشد سابق حزب کمونیست و مأموران کاگ ب، تغییر نام خیابان ها، از میان برداشتن مجسمه قهرمانهای شوروی. پیشنهاد دیگر حزب همچنین لغو وضعیت جمهوری خودمختار در مورد کریمه است و به ویژه تشویق نوعی هویت اوکرائینی با اتخاذ یک سری اقدامات از تجلیل سیستماتیک جنبش ناسیونالیستی گرفته تا از سرگیری ذکر تعلقات قومی یا مذهبی شهروندان بر روی مدارک هویتی آنها".

موفقیت کشورهای غربی نمیتوانست از جانب روسیه بدون پاسخ بماند. زیرا ناسیونالیسم زخم خورده روسیه موقعیت ضعف و زبونی دوران دهه نود را پشت سر گذاشته و کم راست کرده بود. اولین عکس العمل روسیه در مقابل غرب این بود که حساب کریمه را از

اوکراین جدا کند. این کار را با فراندوم انجام داد و نزدیک به ۹۷ درصد رای دهندگان کریمه سیاست الحاق به روسیه را تایید کردند. این یک ضربه فوری متقابل بود که شیرینی پیروزی غرب در اوکراین را به کامشان تلخ کرد. قدم بعدی تحریکاتی است که هم اکنون روسیه در شرق اوکراین ایجاد کرده است.

بنابراین این جدال روسیه و کشورهای غربی هم ریشه تاریخی بسیار قدیمی دارد و هم دلایل امروز و اختلاف منافع امروزشان برجسته شده است. سر نوشت این جدال میتواند حل نشده و ادامه دار سالها طول بکشد. بسیاری میگویند این یک نوع جنگ سرد است که دوباره آغاز شده است. اما این ساده انگاری است که فکر کنیم دوباره دو قطب قدرتهای غرب و شرق جنگ سرد دیگری را آغاز کرده اند. زیرا امروز نه دو قطب که ما با جهان چند قطبی مواجه هستیم. اروپا حاضر نیست مثل دوران جنگ سرد تابع بدون چون چرای سیاستهای دیکته شده آمریکا باشد. یک قدم دور تر از اروپا چین یک قطب نظامی و اقتصادی مهم دنیای امروز است. هند و برزیل هم هر کدام جایگاه و سهم ویژه خود را دارند.

بنابر این در دنیای امروز احتمال شکل گیری یک دوره جنگ سرد دوم بسیار ضعیف است. آنچه محتمل است این است که هر کدام از این قطبها میخواهند آمریکا یک شریک مساوی با بقیه باشد. هر کدام از این قطبهای موجود میخواهند به اندازه قدرت اقتصادی و بازوی نظامیشان سهمی از اقتصاد و سیاست دنیای امروز را عاید خود کنند.

روسیه در این میان ویژگی خاص خود را دارد. از قدیم الایام یعنی از دوران تزار تا کنون روسیه با کشورهای غربی رقابتی آشکار داشته است. در دوران بلوک بندی شرق و غرب نهایتا دوره جنگ سرد شکل گرفت. بعد از فروپاشی بلوک شرق ناسیونالیسم روسیه به شدت تحقیر شد. آن هنگام روسیه امکان و توان مقابله به مثل نداشت. امروز بورژوازی روسیه از زیر شکستها دهه ۹۰ میلادی کمر راست کرده و به اندازه زور بازویش سهم طلب میکند.

بیش از دو دهه است که دنیا وارد فاز دیگری شده است. معادلات

قدرت و جایگاه اقتصاد و موقعیت دولتهای قدرتمند همگی متحول شده اند. با این حال غرب و در راس آنها آمریکا هنوز معادله و فرهنگ دوران شکست سرمایه داری دولتی بلوک شرق را میخواهد پیروی کند.

در این میان آنکسی که هنوز باید بیدار شود و دست از ژاندارم بازی جهانی بردارد آمریکا است. روسیه با اقدامات تلافی جویانه خود عملا شوکی به غرب وارد کرده است که به احتمال قوی این بار غرب بیدار خواهد شد و آمریکا ناچار میشود که موقعیت تضعیف شده امروزش را بپذیرد.

اما در پس این جدال وضع مردم اوکراین از این هم بدتر میشود. همزمان با این تحولات گفته میشود که اقتصاد اوکراین برای جلوگیری از ورشکست شدن احتیاج فوری به ۳۵ میلیارد دلار پول دارد و هیچ کشوری حاضر به پرداخت آن نیست.

در عین حال از لحاظ سیاسی مردم اوکراین یک طرف با حاکمیتی دست راستی و فاسد تر از حکومت قبلی باید دست و پنجه نرم کنند و از طرف دیگر بخش ناراضی از نزدیکی به غرب (ناسیونالیسم روس) میتواند با اتکا به نفوذ روسیه بحرانهای بیشتری را دامن بزند و خطر جنگ داخلی از طرف قدرتهای رقیب هم باد زده میشود و این یک خطر واقعی است که هنوز منتفی نشده است.

هیچکدام از طرفین این دعوا مردم تحت ستم و طبقه کارگر اوکراین را نه تنها نمایندگی نمیکند بلکه مستقیما علیه آن هستند. راه رهای مردم اوکراین نه ملحق شدن به روسیه است و نه نزدیکی به غرب که قرار است سیاستهای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را آنجا به اجرا بگذارد. در پس تحولات اخیر و قدرت گیری جریانات راست و فاشیست به جای یانوکویچ، مردم اوکراین با شرایط بسیار سخت تر و پیچیده تری مواجه شده اند. از یک طرف با خطر ناسیونالیسم روس و از طرف دیگر با خطر ناسیونالیسم افراطی اوکراین باید دست و پنجه نرم کنند. مردم اوکراین اگر راهی رو به پیش داشته باشند این است که در قدم اول این دو جبهه ارتجاع ناسیونالیستی را حاشیه ای کنند.

از صفحه ۱ کارگران کولبر ...

اصلی این گستردگی در موقعیت اقتصادی و بحران هایی است که در طول سی سال گذشته در ایران و عراق وجود داشته است. در دوره جنگ ایران و عراق ت بخشهایی از مایحتاج روزانه از کانال مرزها تامین میشد. با شروع جنگ خلیج تجارت در مرزها بشکل وسیعتری گسترده شد. از بازارهای تجاری در ایران کالا و مواد خوراکی به شهرهای کردستان عراق صادر میشد. و اکنون با پروژه های آباد سازی و ساختمانسازی در کردستان

عراق تجارت مرزی وارد دوره پُر رونقی شده است. همزمان با این تحولات در سی سال گذشته جمعیت شهری در کردستان بیشتر و بیشتر شده است. هزاران جوان محروم از تحصیل و یا تحصیل کرده با مدارک تحصیلی بالا در بازار کار و بدون شغل جمعیت هزاران نفری بیکار را تشکیل میدهند.

و همزمان با این تحولات و با شروع کامل حاکمیت جمهوری اسلامی در کردستان بورژوازی کرد در کردستان با همکاری نیروهای

امنیتی - دولتی در سی سال گذشته صاحب ثروتهای میلیون دلاری شده اند. در کردستان بیش از ده میلیارد در میان ده میلیون و سرمایه دار با ثروتهای فرعونی حضور دارند. ثروتهای اینها عمدتاً حاصل همکاری مافیای اقتصادی از سران دولتی و سپاه پاسداران بویژه در دو دوره دولت احمدی نژاد است. بورژواها با سرمایه گذاریهای میلیاردری در مرزها و با بکارگیری نیروی کار کولبری توانسته اند به این ثروتهای فرعونی برسند. هزاران کارگر کولبر در مرزها برای بدست آوردن سود ناچیزی بکار مشغولند. و یا هزاران نفر از کولبرها توسط

امنیت و خسارت ناشی از امنیت شعلی بعهد دولت است.

مکانیسم شروع کمپین برای برسمیت شناختن شغل کولبران کدامها هستند. کارگران کولبر فاقد سنت گردهمایی، مجمع عمومی و ارگان و تشکل هستند. آیا پیش شرط وارد شدن به کمپین برسمیت شناختن شغل کولبر در گرو تشکل و نهادهای مدافع کولبران است.

نا امنی جانی کارگران کولبر مساله جامعه و مردم است. تامین امنیت جانی مساله دولت و سرمایه داران است. با فشار اعتراضی با تشکل و با حمایت مردم و جامعه امنیت جانی کارگران کولبر تامین

سوال گرهی این است آیا شغل کارگران کولبر توسط دولت و نهادهای امور اجتماعی و کار برسمیت شناخته میشود! تامین

از صفحه ۱

اخبار هفتگی ...

کاشانه خود را جا بگذارند و به مناطق امنتر پناه ببرند.

شهر دار قبلی شهر سلیمانیه به اتهام دزدی دستگیر شد

دانا احمد مجید شهردار قبلی شهر سلیمانیه طی دادگاهی غیابی به شش سال زندان بخاطر دزدی از اموال عمومی محکوم شده بود. او روز ۲۵ مارس پس از بازگشتش به شهر سلیمانیه دستگیر می شود و قرار است بزودی با توجه به درخواست وکیلش تجدید دادگاهی شود.

په در مرز با اقلیم کردستان را از دست نیروهای اسلامی " دولت اسلامی عراق و شام" خارج ساخته، بنا بر گزارشات مدتی است که نیروهای این گروه مذهبی در منطقه توز خورماتوز تجمع کرده و روز ۲۰ مارس به ۱۷ روستا حمله می کنند که یک روز بعد ارتش عراق اعلام کرده که ۱۷ روستائی اشغال شده را از دست این نیروها خارج ساخته، لازم به یاد آورست که در جنگ میان این گروه مذهبی و ارتش عراق تا هم اکنون دهها نفر کشته شده اند و مردم زیادی از مناطقی که این جنگها در آن جریان دارند، مجبور شده اند که خانه و

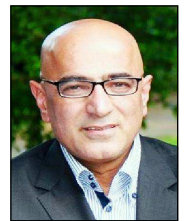
لازم به ذکر است که بعد از به قدرت رسیدن احزاب ناسیونالیست در کردستان عراق و طی ۲۳ سال گذشته اینها مشغول دزدی و چپاول از اموال مردم بوده اند، به شیوه ای که امروز برای بسیاری از مردم روشن شده که اینها بخاطر پول و امکانات دست به هر جنایتی می زنند و به همین خاطر طی سالهای گذشته مردم شهرهای تحت کنترل این احزاب با وجود فضای ترس و خفقان که اینها ایجاد کرده اند دست به اعتراض و مبارزه علیه دزدی و چپاول این احزاب زده اند و دستگیری فقط یکی از مسولین این احزاب شاید تلاشی ناشیانه برای به بیراهه بردن نفرت و اعتراض به حق مردم از دزدی و چپاول این احزاب می باشد.

تقاضای مسعود بارزانی از نوشیروان مصطفی برای تشکیل حکومت

یکی از اعضای پارلمان حزب گوران (تغییر) به رهبری نوشیروان مصطفی اعلام کرده که در روزهای اخیر مسعود بارزانی به نوشیروان مصطفی پیشنهاد کرده که آنها به همراه اتحادیه میهنی حکومت را تشکیل دهند. شمال عبدالول وه فا این نماینده گوران در مصاحبه ای با روزنامه ناوینه اعلام کرده که ما خواهان شرکت احزاب اسلامی هستیم و فکر می کنیم نباید آنها را از قدرت کنار گذاشت. لازم به یاد آورست که از ماه سپتامبر گذشته و بعد از انتخابات پارلمانی در اقلیم

کردستان تا هم اکنون نتوانسته اند دولت تشکیل دهند و هر يك از احزاب ناسیونالیست بخاطر منافع خود حاضر نیستید با دیگری دولت تشکیل دهند. حزب گوران که حزب تازه تاسیسی است و ادعای رادیکال بودن را دارد در انتخابات گذشته در بسیاری از حوزه های انتخاباتی با جریانات اسلامی یکی شدند و الان هم اعلام کرده اند که بدون شرکت آنها حاضر نیستند حکومت تشکیل دهند، این حزب اگر در انتخابات سال گذشته به حزب دوم میان احزاب در قدرت ناسیونالیست تبدیل شده نه بخاطر رادیکال بودن و یا ارائه پلاتفرمی جدید، بلکه تنها و تنها بخاطر نفرت مردم از دو حزب اصلی در قدر یعنی اتحادیه میهنی و حزب

اشتغال چالش اصلی در دولت های گذشته تا کنون



نسان نودینیان

اشتغال از مهمترین مسائل ضروری و جزو چالش های اصلی در دولت های گذشته تاکنون بوده است. عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور اعلام کرد که تا ۷ یا ۸ سال آینده امکان استخدام در دستگاههای دولتی وجود ندارد. کمالالدین پیرموندن عضو کمیسیون صنایع و

معادن مجلس نهم گفته است: «یکی از تخلفهای بارز دولت دهم استخدام های بیرویه و خارج از ضابطه بوده است، دولت در آن روزها مصوبه های استخدامی فراوانی را صادر کرد و در قالب طرح پیر بحث "مهرآفرین" و طرحهایی از این دست به استخدامهای زد که بعدها عنوان "سونامی استخدام" به خود گرفت. . که استخدام نیم میلیون نفر در ماههای پایانی دولت دهم کار تبلیغاتی بوده است. . .» احمدنژاد با این کار قصد داشت بگوید که به فکر جوانان است حتی به بهای چالش با قانون و مجلس. اگر او به فکر جوانان بود باید در همان دولت

نهمش فکری به حال بیکاری جوانان میکرد. «با شروع کار دولت یازدهم (دولت حسن روحانی) جنگ و دعوای مزدوان در قدرت در دولت های دهم و یازدهم در عرصه اقتصاد، بیمه های اجتماعی و درمانی و بیکاری بالا گرفته است. دزدی و فساد مالی همدیگر را رو میکنند. گاز گرفتن اینها از همدیگر ریشه در اوضاع نابسامان در همین عرصه ها (اقتصاد و بیکاری و بیمه های درمانی) دارد. اشتغال از مهمترین مسائل ضروری و جزو چالش های اصلی در دولت های گذشته تاکنون بوده است. در چهارده اسفند نود و دو وزیر کار و رفاه دولت حسن روحانی

کارکنانی هستند که حقوق های آنها چند ماه با تاخیر پرداخت میشود. مدتهای مدیدی است که البت دزد و فاسد مزدور در دولتها و در نظام جمهوری اسلامی از نابسامانی اقتصاد و چالش اشتغال و سونامی بیکاری صحبت میکنند. مهم این است جامعه با این چالش مهم تعیین تکلیف کند. چاره اوضاع کنونی دامن زدن به جنبش مطالباتی بیمه بیکاری و تامین زندگی با استانداردهای حقوق بیش از دومیلیون تومان است.

از "موج جدید بیکاری" در طی ۲ سال آینده خبر داد و پیشبینی کرد که طی این مدت ۴ / ۵ میلیون نفر با تحصیلات دانشگاهی به لشکر ۸ میلیون نفری بیکاران موجود افزوده خواهد شد. سونامی بیکاری بزرگترین معضل در جامعه است. بیش از ۴ میلیون نفر طبق آمار رسمی بیکار شده اند. افزایش بیکاری و تعطیلی مراکز کار در جریان است. از میان چهارونیم میلیون افراد جویای کار بیشترینشان از خانواده های کارگران و کارمندان بیکار یا آندسته از

زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!

جدای از عدم پرداخت ماه ها حقوق و سال ها حق سنوات بیه این ها نیز کفایت نکرده اقدام به اخراج موقت تعداد ۳۶۰ نفر از کارگران در ماه های بهمن و اسفند ۹۲ با نام توجیهی "مرخصی با پرداخت نصف حقوق" کردند که قرار بوده تا اوایل سال جدید یعنی سال ۹۳ طول بکشد و کارگران بعد از تعطیلات عید به سرکارشان برگردند اما در طول این دو ماه مرخصی اجباری هیچگونه حقوق و عیدی به کارگران پرداخت نشده است. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ۳ فروردین ۱۳۹۳

مربوان:

غیردولتی اتریشی سودویند برای ادای احترام و ستودن مبارزات پروین ذبیحی، که سهمی در ارتقاء و حفاظت از حقوق بشر در ایران داشته، جایزه ای در نظر گرفته شده است. مراسم رسمی اهدای جوایز به برگزیدگان، در جریان بیست و پنجمین اجلاس شورای حقوق بشر در ژنو، برگزار شد. پروین ذبیحی متولد بانه - کردستان، ساکن مربوان و دانش آموخته مقطع فوق دیپلم رشته علوم انسانی است. او عضو هیئت مدیره انجمن زنان آذر مهر، عضو کانون کودکان، اتحادیه کارگران بی کار و اخراجی، است و در انجمن ادبی مربوان نیز فعالیت دارد. او در دوره اصلاحات فعالیت های خود را در زمینه حقوق مدنی و فرهنگی از سر می گیرد. تحقیق و پژوهش، نوشتن مقاله و تهیه گزارش، ساختن فیلم در رابطه با خودسوزی زنان و همچنین برگزاری کارگاه ها و مراسم های مختلف در رابطه با زنان و کودکان و نیز حضور در جمععاتی مثل ۲۲ خرداد در تهران و سنندج، از جمله فعالیت های پروین ذبیحی در راستای تلاش وی برای ساختن دنیایی بهتر است.

او برای دنیایی که زنان و کودکان به مثابه قربانیان اصلی خشونت، حرمت و کرامت انسانی شان را به دست آورند، تلاش می کند. همکاری با جامعه حمایت از زنان کردستان، انجمن زنان آذر مهر، کمپین یک میلیون امضا، تشکیک کانون دفاع از کودکان مربوان،

مبارزه با قتل های ناموسی، ختنه دختران، خودسوزی زنان، سنگسار و خون بس، اعدام بس، عمده فعالیت های وی در این دوران بوده و کمپین های زیادی توسط وی راه اندازی و مدیریت شده است. پروین ذبیحی کتاب "ختنه دختران" اثر "رونک فرج" را از کردی به فارسی ترجمه کرده و کتاب "فریادهای آتش" را که تحقیقی در زمینه خودسوزی زنان در مناطق کردنشین است، در دست انتشار دارد. پروین ذبیحی همچنین از اعضای "کمیته علیه خشونت های ناموسی" است. این کمیته در سالگرد سنگسار دعا خلیل اسود، دختر عراقی، تشکیل شد. از عمده فعالیت های پروین ذبیحی در این کمیته، تحقیق و کار فرهنگی برای بستر سازی علیه خشونت های ناموسی در کردستان، کرمانشاه، لرستان، ایلام و حاشیه های این مناطق بوده است.

پیام تشکر پروین ذبیحی: ضمن تشکر از اعضای هیئت محترم هیئت ژوری و فعالین خستگی نا پذیر حقوق بشری به خاطر نگاه مهرآمیز و انسانیشان به اینجانب و افتخاری که نصیب نمودند، آرزومند موفیت و پیویایشان در راستای اهداف انساندوستانه این بزرگواران میباشم. بیگمان در دنیایی که جنگ فقر و نابرابری بزرگی را تهدید میکند وظیفه هر کدام از ما انسانهاست که علیه خشونت و نابرابری بستییزیم و بدون شک بودن در کنار انسانهای بزرگ واز خود گذشته انگیزه بزرگی است که گامهای را علیه ستم و استعمار استوارتر کند. افتخار اهدا جایزه سودیو بند را مدیون همکاران و همراهان تلاشگر م میدانم واز بودن در کنارشان به خود میبالم و خوشحالم که تلاشهایمان گرچه نا کافی اما توانسته گوشه ای از خشونت و معضلات جامعه انسانی را به معرض قضاوت عموم بگذارد.

و بسیار ممنون و سپاسگزار خانوادها ام دوستان، و تمام انسانهای آزاده ای که در گذشته و این مدت با پیامهای تبریکشان مشوقی برای ادامه کارها یم بوده هستند، میباشم و دستشان را به گرمی میفشارم. آرزو داشتم در این

لحظات ارزشمند زندگی پدر و مادرم زنده بودند و با بوسه بر دستان توانا و پیر مهرشان میگفتم پدر و مادر بزرگوار و خویم استقامت و سخت کوشی، انسانیت و مهرورزی را شما به من آموختید. یادشان گرامی باد. در خاتمه به امید تحقق آرمانهای والا ای انسانی در دنیایی به دور از آپارتاید و خشونت نابرابری و آرزوی زندگی سرشار از صلح و دوستی برای جامعه بشری

پارازیت جان نوزاد ۴ ماهه را گرفت:

دوم فروردین ماه در بیمارستان امام حسین شهر کرمانشاه، نوزاد چهار ماهه یک خانواده جوانرودی جان سپرد. این نوزاد به دلیل "پیامدهای ناشی از پارازیت" دچار بیماری شده و تحت مراقبت های پزشکی قرار گرفته بود. گزارش ها حاکی از مطالبه ۴ میلیون تومان و کارت شناسایی از این خانواده توسط بیمارستان کرمانشاه جهت مخارج درمان می باشد. همچنین این خانواده قبل از بستری کردن نوزادشان، مبلغ ۱۴ میلیون تومان به حساب بیمارستان واریز کرده بودند. علی رغم فقر معیشتی و سکونت خانواده جوانرودی در منزل استیجاری، مسئولان بیمارستان امام حسین کرمانشاه اعلام کردند که تا پرداخت کامل پول، کارت شناسایی پدر نوزاد در گرو خواهند بود. پیشتر و در اوایل اردیبهشت ماه سال گذشته، یک زن حامله به نام "نیاز عزیز" در بیمارستان محمد رسول الله جوانرود، دوقلوهای خود را به دلیل تأثیرات امواج پارازیت، مرده به دنیا آورده بود. تحقیقات صورت گرفته نشان می دهد؛ قرار گرفتن در معرض اشعه و پارازیت، تا ۳۰ برابر خطر تولد نوزاد معلول و عقب مانده ذهنی را افزایش می دهد. منشأ این پارازیتها، شورای امنیت ملی است که برای عدم دسترسی شهروندان به شبکه های ماهواره ای، از طریق سیاه اقدام به ساخت دکل و ارسال پارازیت می کند. (منبع کردپا)

قتل ناموسی: بیست و چهارم

اسفندماه: چیمین پیری از سوی همسر سابقش کشته شد. چیمین ۳۵ سال داشت و به بهانه آشتی کنان، توسط همسرش به بیرون از منزل برده می شود و سپس بوسیله تالیور

وی را به قتل می رساند. هویت این مرد، علی حسینی از اهالی روستای "احمد مرده" است.

انفجار مرگبار گاز:

انفجار گاز در روستای "گردیگلان"، جوانی ۲۵ ساله به نام مصطفی ینگجه جان خود را از دست داد. در این حادثه همچنین ۶ نفر دیگر که همگی اعضای یک خانواده بودند بشدت مجروح که ۴ نفر از آنان به علت شدت جراحت و سوختگی برای مداوا به ارومیه انتقال یافتند. مصدومان این حادثه دچار سوختگی ۵۰ تا ۶۰ درصد گشته و حال عمومی آنان "وخیم" گزارش می شود.

خودکشی: سنندج: جمعه یکم

فروردین ماه دو خواهر ۱۸ و ۲۱ ساله به دلیل "اختلافات خانوادگی" اقدام به خودکشی کرده و در نتیجه یکی از آنها جان خود را از دست داد. این دو خواهر با خوردن قرص برنج (فسفید آلومینیم) اقدام به خودکشی کردند و یکی از آن به نام "عسل م" ۱۸ ساله، قبل از رسیدن به بیمارستان توحید شهر سنندج جان خود را از دست داده است. یک دختر دیگر به نام "اسرام" ۲۱ ساله با خوردن قرص برنج از ناحیه جگر آسیب جلی دیده و هم اکنون در بخش آی سی یو "بیمارستان تحت مراقبت پزشکی می باشد. گفته می شود، پدر و مادر "اسرا و عسل م" از هم جدا شده و در حالی که این دو خواهر خواستند به دیدار خالهبوند، پدرشان به آنها اجازه نداده و به این دلیل با خوردن قرص برنج اقدام به خودکشی کردند.

خودکشی: سنندج: یکم

فروردین: یک جوان به نام "شاهو" ۲۰ ساله و ساکن شهر سنندج به دلیل اختلافات خانوادگی به زندگی خود پایان داده است. این جوان با خوردن قرص برنج اقدام به خودکشی کرده و در نتیجه قبل از رسیدن به بیمارستان توحید شهر سنندج جان خود را از دست داد.

قتل ناموسی: یکم فروردین ماه

مسعود سیدی در شهر سرپل ذهاب، اقدام به بریدن سر خواهر خود کرد. زن به قتل رسیده در منزل پدرش زندگی می کرده که از سوی برادرش کشته می شود. دلیل این اقدام از

سوی برادر مقتول "حفظ ناموس" عنوان شده است.

کامیاران: خودسوزی:

چهارشنبه بیست و هفتم اسفندماه یک زن ۲۳ ساله ی به نام نسرین مهری ساکن روستای "طا" از توابع شهرستان کامیاران اقدام به خودسوزی کرده و در نتیجه جان خود را از دست داده است. این زن جوان دارای یک فرزند می باشد که به گفته افراد مطلع، فقر معیشتی عامل اصلی خودکشی وی بوده. نسرین مهری روز نوزدهم اسفندماه اقدام به خودسوزی کرده بود و پس از چند روز بستری در بیمارستان به دلیل شدت جراحات ناشی از سوختگی، روز گذشته جان خود را از دست داد.

سلماس: خودسوزی: جوانی ۲۲

ساله به نام محمد عبداللهی منولوکانی فرزند مصطفی، روز گذشته در محله "اسلام آباد" اقدام به خودکشی کرد. این جوان در منزل پدرش به دلیل "مشکلات اجتماعی و خانوادگی" از راه حلق آویز نمودن با طناب دار اقدام به خودکشی کرده است.

محکومیت اعدام:

علی خلیل پور ۳۹ ساله فرزند محمد و ساکن روستای "کوزه رش" شهر سلماس که در دادگاه انقلاب شهر سلماس به اعدام محکوم شده بود، این حکم از سوی دیوان عالی نیز تایید گردید. علی خلیل پور تیرماه سال گذشته از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و به اتهام "خرید و فروش مواد مخدر" از سوی دادگاه این شهر به اعدام محکوم شده بود.

اقدام ابتکار مردم شهر

بوکان: جمعه یکم فروردین ماه ۱۳۹۳، کلیه میادین، خیابانها و کوچه های شهر بوکان در یک اقدام خودجوش و دسته جمعی از وجود زیاله پاکسازی گردید. جمع آوری و پاکسازی شهر بوکان در آستانه ی نوروز و سال نو صورت گرفت. جاده ی "گوسه" نزدیک روستای "قازلیان" و همچنین "کوه رش" و اطراف آن، از سوی جوانان و دستداران محیط زیست از وجود زیاله پاکسازی شدند. این حرکت به صورت خودجوش و بدون همکاری نهادهای حکومتی و شهرداری انجام شده است.

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:
Sweden
Post Giro: 6396060-3
account holder: IKK

آلمان:
Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:
Canada
ICRC
Scotiabank
4900
Dixie Rd, Mississauga
L4W2R1
Account #: 843920026913

هلند:
Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 151350248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

آمریکا:
Bank of America
G Street, Blaine, Wa 98230277
phone # 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 99-41581083
wire: ABA routing # 026009593
Nrsswift code : BOFAUS

شماره حساب انگلیس
ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:
England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
Account hold: wpi
branch: Wood Green
Bank: NatWest
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981
BIC: NWBK GB 2L

در زمینه کمک مالی چنانچه سوالی داشته باشید
میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از ایران:

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

عبدل کلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

صفحه بندی: فرزام کرباسی

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E- mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: فرزام کرباسی

E- mail: farzam.karbasi@gmail.com

رفراندوم جهانی علیه حکم اعدام ریحانه جباری

حکم اعدام ریحانه جباری را
بی درنگ متوقف کنید!



متوسل شده ایم و هزاران نفر از ایران و آمریکا و اسرائیل و استرالیا و نیوزیلند و همه جا دست به دست هم داده و اعلام میکنند: نه به اعدام، نه به قتل عمد دولتی در ایران و در همه جا! ۵۰۰۰۰ نفر ریحانه را در حلقه محبت خود گرفته و میخواهند او را نجات دهند. باید این کمپین کاری کنیم تا ریحانه به آغوش خانواده اش بازگردد.

شما هم میتوانید امضا کنید:

مینا احدی
minaahadi@gmail.com

https://secure.avaaz.org/en/petition/Catherine_Ashton_Ban_Ki_Moon_Ahmad_Shaheed_Save_26_year_old_woman_from_being_hanged_in_Iran/?sgoyhbb_

اسلامی حکم مرگ این جوان را امضا کرده و هر لحظه ممکنست ریحانه جوان به قتل برسد. دنیا بیخاسته و هر لحظه چندین نفر این طومار را امضا میکنند. برای ما سازمان دهندگان این کمپین، این واقعه بسیار شبیه به پیا خاستن مردم دنیا و دفاع جانانه آنان از سکینه محمدی آشتیانی است. این بار مردم جهان در یک اقدام جالب به اعدام در ایران نه میگویند. اعدام قتل عمد دولتی است و در ایران با یک سیستم قضایی سرکوبگرانه و با دستگاهی که فقط برای سرکوب و ترساندن مردم و در عمل یک دستگاه جنایت سازمان یافته است، روزانه چند نفر را به اعدام محکوم میکنند. ما به قلبهای مهربان مردم دنیا

در عرض سه روز بیش از ۵۰۰۰۰ نفر طومار اعتراض به حکم اعدام ریحانه را امضا کردند. امضا کنندگان از ایران، آمریکا، اسرائیل، استرالیا، انگلستان، گینه بیسائو، جمهوری چک، هند، پاکستان، عربستان سعودی، نیوزلند، فرانسه، آلمان، کانادا و همه جای دنیا هستند! در یک صفحه فقط نوشتیم که ریحانه کیست و چرا به اعدام محکوم شده است. نوشتیم جان یک دختر دانشجوی ۲۶ ساله در ایران در خطر است. ریحانه در جریان دفاع از خود در مقابل مردی که قصد تجاوز به او را داشت، متهم به قتل شده و در یک دادگاه که ابتدا به مدارک توجه نکرده با سرعت به اعدام محکوم شده است. رئیس قوه قضاییه حکومت

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات



متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.



سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!